

آزادسازی خرمشهر چگونه شکل گرفت؟

۳۹ سال گذشته، اما آن قدر شیرینی و حلاوت این پیروزی در ذهن‌ها ماندگار است که اگر از همه کسانی که خاطره آن روزها را دارند...



۳۹ سال گذشته، اما آن قدر شیرینی و حلاوت این پیروزی در ذهن‌ها ماندگار است که اگر از همه کسانی که خاطره آن روزها را دارند، سوال کنی، برای شان شیرین‌ترین خاطره بوده و هیچ وقت از یادشان نمی‌رود. سوم خرداد برای ایرانی‌ها خاطره آزادسازی شهری است که برای به دست آوردن دوباره اش همه با هم متحد شدند و همین اتحاد به پیروزی رسید. به گزارش ایسنا، روزنامه «فرهیختگان» در ادامه نوشت: فتح خرمشهر نقطه عطفی در تاریخ انقلاب اسلامی است و همین نقطه عطف، محور وحدت، شور و نشاط بود و البته درس مجاهدت و ایثار برای ماندگاری در تاریخ ایران زمین.

چطور به پیروزی رسیدیم؟

چهارم آبان ماه ۱۳۵۹، خرمشهر اشغال شد و بعد از ۱۹ ماه، توانستیم آن را از عراق پس بگیریم. برای این کار برنامه ریزی‌های زیادی انجام شد اما مهم‌ترین اتفاق را باید در اتحاد بین ارتش و سپاه دانست. «فتح خرمشهر زمانی انجام شد که ما با هم یکی شدیم و همه خواست مان پیروزی و برگرداندن دوباره این شهر به وطن بود.» این صحبت‌های محسن رضایی، فرمانده وقت سپاه در زمان جنگ بود. وقتی صحبت از آزادسازی خرمشهر می‌شود انگار به یک نقطه اتحادی می‌رسیم که برای همه مسلم شده بود که باید با هم یکی شوند. در کتاب اطلس جنگ ایران و عراق به وحدت شکل گرفته بین ارتش و سپاه اشاره شده و آمده است: «همکاری بی سابقه ارتش و سپاه یکی از رمزهای موفقیت پیروزی در فتح خرمشهر بود، در پی حذف بنی‌صدر، مقدمات همکاری جدی نیروهای ارتش و سپاه فراهم شد و عملیات ثامن الائمه، در نتیجه این همکاری و با تلاش شهیدان کلاهدوز و نامجو طراحی شد و پس از تصویب توسط شورای عالی دفاع، به اجرا درآمد. در پی نتایج به دست آمده از این عملیات، همکاری این دو سازمان (ارتش و سپاه) به همراه ترکیب جدیدی از تلفیق و اتخاذ استراتژی عملیاتی و تاکتیک‌های رزمی نوین آغاز شد. همکاری‌های متقابل سپاه و ارتش، در جوی سرشار از تفاهم، به رفع بسیاری از توهّمات و تبلیغات سوء گذشته انجامید و پیروزی را برای ملت به ارمغان آورد.» یا در کتاب «در مسیر پیروزی» که با روایت سردار مرتضی قربانی به چاپ رسیده است، به این نکته اشاره شده. سردار قربانی در مورد این اتحاد می‌گوید: «حضرت امام دست برادر سردار محسن رضایی و برادر تیمسار صیاد شیرازی را گذاشتند در دست هم، چون شیاطین می‌خواستند بین سپاه و ارتش تفرقه بیندازند. امام بدون صحبت و با لبخند و تبسم، این معنا را القا کردند که نگذارید بین شما اختلاف بیندازند.»

طراحی عملیات با همکاری چندجانبه

محسن رضایی که در آن زمان فرماندهی سپاه را برعهده داشت، در مورد این وحدت در خاطرات شفاهی اش می‌گوید: «در عملیات فتح المبین و بیت المقدس وحدت ارتش و سپاه در اوج خود بود. بعداً اختلافات کمی پیدا شد ولی اوج وحدت ما در همین عملیات بیت المقدس بود که آزادسازی خرمشهر را به ارمغان آورد. این اتحاد در همه چیز نمایان بود و یکی از مهم‌ترین طراحی‌های بود که با همکاری ارتش ترتیب دادیم و باید بگویم این عملیات یا آزادسازی خرمشهر درحقیقت از دو تدبیر برخوردار بود، اول اینکه، زمین منطقه وسیع بود و ما نیروی کافی نداشتیم، سعی کردیم از نقاطی وارد شویم که حداقل نیرو را برای عملیات نیاز داشته باشد. تدبیر دوم این بود، از جایی به دشمن حمله کنیم که از قبل فکرس را نکرده باشد.»

فتح خرمشهر از نگاه عراقی‌ها

پیروزی ما در فتح خرمشهر، برای همه در آن زمان یک نکته اساسی داشت و آن اینکه چطور به این پیروزی رسیدیم. عراقی‌ها بسیار در مورد این موضوع صحبت کرده‌اند.

غافلگیر شدن عراقی‌ها

یکی از فرماندهان عراقی که در آن زمان در خرمشهر حضور داشت و باید به دستور صدام این شهر را برای عراق حفظ می‌کرد، در مورد این موضوع در کتاب خاطراتش به اسم «جنگی که تمامی نداشت» می‌نویسد: «صدام از ما خواسته بود به هیچ وجه این شهر را از دست ندهیم، بارها تهدید شدیم و در نهایت نتوانستیم آن را حفظ کنیم. ایرانی‌ها بسیار هوشمندانه عمل کردند و با یک عملیات پیچیده توانستند ما را غافلگیر کنند، این غافلگیری آن قدر برای ما زیاد بود، که حتی نتوانستیم مقاومتی داشته باشیم.»

تمرکز در همه بخش‌ها برای بازپس‌گیری خرمشهر

سرهنگ «ستاد فکری حسین» هم از فرماندهان عراقی است و در چند بخش، پیروزی ایران در فتح خرمشهر را بررسی کرده و می‌گوید: «چند مساله در مورد خرمشهر و آزادسازی آن وجود دارد، اولین نکته اینکه در عملیات پیشروی به سوی خرمشهر از عنصر غافلگیری به شکل مناسب استفاده شد. فرماندهی ما تصور می‌کرد که نیروهای اسلامی از سمت شهر پیشروی (حمله) خواهند کرد؛ اما نیروهای اسلامی پس از آنکه اقدام به کاهش سطح آب کردند، از طریق منطقه طاهری پیشروی و به این ترتیب، ما را غافلگیر کردند. این عملیات درحالی انجام شد که نیروهای ما از آن اطلاعی نداشتند. ایرانی‌ها، در استتار منطقه عبور موفق بودند؛ همچنین آنها در عملیات احداث پل‌ها، مخفیانه و در سطحی وسیع موفق بودند. همچنین عملیات عبور دقیق و خارج از برد توپخانه‌ها و خمپاره‌ها انجام گرفت. این واقعیت نشان می‌دهد که نیروها با انضباط و مطیع فرمانده‌های خود بوده‌اند. نیروهای

ایرانی پس از عبور به خاطر برخورداری از روحیه بالا، موفق شدند لایه دفاعی خط اول را پشت سر بگذارند و جاده خرمشهر - اهواز را تصرف کنند.» این فرمانده عراقی در ادامه صحبت هایش به موضوع داشتن تسلط و تمرکز نیروهای ایرانی اشاره می کند و می گوید: «نیروهای ایرانی هنگام پیشروی همه توان خود را متمرکز بر یک محور نکردند، بلکه در یک زمان از محورهای مختلفی استفاده کردند. آنها با رخنه در شمال خرمشهر در وضعیت بسیار مناسبی قرار گرفتند و موفق شدند آن رخنه را توسعه دهند و به سوی مرکز شهر پیشروی کنند. نیروهای ما پس از آنکه از مرکز شهر بیرون رانده شدند، در خارج از شهر موضع گرفتند. این شرایط موجب شد، نیروهای ما بدون غذا، مهمات و سوخت بمانند. از این رو، در وضعیت مصیبت باری قرار گرفتند. البته این شرایط در پی عقب نشینی نیروهای ما از مواضع اصلی پیش آمد. نیروهای ایرانی هم از این موقعیت به نفع خود استفاده کردند و نیروهای عراقی را در محاصره کامل خود درآوردند، به نحوی که دیگر هیچ راهی برای آنها نمانده بود؛ یا باید تسلیم می شدند یا مرگی سخت در انتظار آنها بود.»

پژوهش هایی که برای خرمشهر انجام شده است

نصرت الله صمدزاده، مدیر کتابخانه تخصصی جنگ حوزه هنری است و پژوهش های زیادی را در این زمینه انجام داده است، سراغ او رفتیم تا بدانیم چقدر درمورد آزادسازی خرمشهر پژوهش انجام شده و چه کارهایی صورت گرفته است.

۲۵۰ عنوان کتاب برای فتح خرمشهر

صمدزاده درمورد اینکه چقدر خرمشهر و موضوع آزادی اش در کتاب ها متبلور شده است، می گوید: «خرمشهر، به سبب جایگاه نمادینی که اکنون در تاریخ معاصر کشور ما و در تاریخ جنگ دارد، همیشه موردتوجه بوده است. حتی برخی تلاش کرده اند آنچه در این رابطه اتفاق افتاده، با شهرهای مهمی که در جنگ های جهانی سر زبان ها افتاده اند، مقایسه تطبیقی کنند. به هر حال متناسب با آماري که در کتابخانه تخصصی جنگ حوزه هنری وجود دارد بیش از ۲۵۰ عنوان کتاب، با محتوای کاملاً مرتبط با موضوع خرمشهر تاکنون منتشر شده است که در میان آنها همه نوع کتاب و در همه گونه های نوشتاری به چشم می خورد؛ از شعر و داستان و نمایشنامه و خاطره تا کتاب های پژوهشی و مرجع.

همچنین به عنوان بخشی از یک منبع، بیش از هزار عنوان کتاب داریم که در آنها می توان درباره خرمشهر، قبل از اشغال تا بعد از آزادسازی مطلب پیدا کرد. بالاخره خرمشهر پایتخت جنگ محسوب می شود و اهمیتش، همواره آن را در کانون توجهات فرهنگی و پژوهشی قرار داده است.

اگر بخواهم به نمونه هایی از این آثار اشاره کنم، باید بگویم «نخل های بی سر» قاسمعلی فراست جزء اولین های داستان نویسی جنگ و نیز اولین های داستان خرمشهر است. نیز به سبب جایگاه فرهنگی این مساله، اشعار فراوانی در این خصوص سروده شده، که به عنوان نمونه در دو عنوان از آنها، یعنی کتاب های «نخل های سرخ» و «خاک، خون، حماسه» مجموعه اشعار خوبی جمع شده است.

«خرمشهر در جنگ طولانی» کتاب پژوهشی مهمی در تاریخ سیاسی- نظامی جنگ در خرمشهر است که سال ها مآخذ بسیاری از پژوهش ها در این خصوص بوده است. یا کتاب «خرمشهر در اسناد ارتش عراق» که به اسنادی می پردازد که از سنگرهای دشمن به دست آمده است. یا در میان آثار مرجع می توان به روزشمارها و اطلس ها در این خصوص اشاره کرد، مشخصاً کتاب نوزدهم روزشمار جنگ، که به «آزادسازی خرمشهر» می پردازد، یا «اطلس حماسه خرمشهر» که در سال ۹۷ منتشر شده است.»

مستندهای شاخص

او همچنین به مستندنگاری هایی که در این زمینه انجام شده، اشاره می کند و می گوید: «در زمینه مستندنگاری ها، خاطرات و یادداشت های زیادی از رزمندگان منتشر شده است، مثل «یادداشت های خرمشهر» شهید بهروز مرادی یا اخیراً کتاب «پسرهای ننه عبدالله» منتشر شده، که خاطرات محمدعلی نورانی از مدافعان خرمشهر را در بردارد. در حوزه زنان، نیز کتاب مستطاب «دا» هست که معرف حضور همگی است یا کتاب «یکشنبه آخر» خاطرات خانم معصومه رامهرمزی. یا مجموعه خاطرات متعددی که از زنان و دختران خرمشهر منتشر شده است. از خاطرات یگان های ارتش نیز می توان به کتاب «تکاوران خرمشهر» که خاطرات ناخداایکم تکاور هوشنگ صمدی است، اشاره کرد. یا در زندگینامه ها، شهدای شاخص خرمشهری مثل شهید جهان آرا و شهید بهنام محمدی و شهید بهروز مرادی بیش از دیگران دیده شده اند، البته در این خصوص می توانیم از شهدای غیرخرمشهری هم نام ببریم، مثل «راز نگین سرخ» زندگینامه داستانی سردار شهید محمود شهبازی.»

۷۰ عنوان خاطرات عراقی ها

صمدزاده خاطرات عراقی ها با موضوع خرمشهر را ۷۰ عنوان اعلام می کند و در این باره می گوید: «خاطرات عراقی ها نیز یکی از منابع مهم مطالعاتی در حوزه خرمشهر است. حدود ۷۰ عنوان کتاب از این دست، عموماً توسط «دفتر ادبیات و هنر مقاومت حوزه هنری» منتشر شده است که در میان آنها، اعترافات دشمن درخصوص فجایع خرمشهر نمود بارزی دارد. اگر بخواهم یکی را نام ببرم، شاید «جنایت های ما در خرمشهر» کتاب شاخصی باشد.»

پژوهش؛ هیچ

صمدزاده در پاسخ به سوال دیگری درمورد پژوهش هایی که درمورد مسائل اجتماعی پس از جنگ در خرمشهر انجام شده، می گوید: «کتاب ها ناچیز و شاید هیچ است. متأسفانه رویکرد مطالعات فرهنگی و اجتماعی در موضوع خرمشهر و حتی در سایر زوایای تاریخی جنگ مغفول مانده است و چنین آثاری جایشان در کتابخانه ها خالی است. البته در پایان نامه ها و رساله های دانشگاهی و به تبع آن در مقالات منتشره، شاید دانشجویی در این موضوع ورود کرده باشد اما کفایت نمی کند. متناسب با

آماری که از بخش پایان نامه های کتابخانه تخصصی جنگ حوزه هنری می توانم خدمت تان عرض کنم این است که حدود ۲۴ عنوان پایان نامه دانشگاهی در موضوع خرمشهر کار شده است که در میان آنها، می توان موضوعات فرهنگی- اجتماعی پس از جنگ هم یافت. موضوعاتی همچون وضعیت رفاهی مردم پس از جنگ، نقش جنگ تحمیلی در کاهش یا افزایش جرائم در شهر خرمشهر، وضعیت مهاجران جنگ تحمیلی در شهر، یادمان های فرهنگی و اجتماعی جنگ در شهر، گردشگری جنگ در خرمشهر، نیز برنامه های فرهنگی و هنری دفاع مقدس در زندگی شهری پس از جنگ و نظایر اینها.»

فرماندهان مقاومت

همان طور که گفتیم برای آزادسازی خرمشهر خیلی ها دست به دست هم دادند تا این اتفاق رقم بخورد. در این بخش به فرماندهانی می پردازیم که در این عملیات نقش ویژه ای داشتند و کوتاه درمورد نقشی می گوئیم که در شکل گیری این حماسه ایفا کردند.

شهید صیادشیرازی

قرارگاه مرکزی کربلا که در عملیات فتح المبین پیروزمندانه ظاهر شده بود، به سرعت مرکزیتش را برای عملیات بیت المقدس در ۴۰ کیلومتری اهواز مستقر کرد؛ فرماندهی این قرارگاه مرکزی برعهده محسن رضایی و صیادشیرازی بود که نقش اساسی در هماهنگی و طرح ریزی عملیات آزادسازی خرمشهر برعهده داشتند. درایت شهید صیادشیرازی در فرماندهی نیروهای ارتش باعث شد با یک عملیات هوشمندانه این پیروزی رقم بخورد.

محسن رضایی

سپاه برای عملیات بیت المقدس با توجه به موانع و دژهای احداث شده از جانب ارتش بعثی در حدفاصل اهواز تا خرمشهر به وسعت ۸۰۰ کیلومتر، که طبعاً انجام عملیات را با اتفاقات غیرقابل پیش بینی همراه می کرد، یک تیم طراحی عملیات تشکیل داده بود که اعضای آن عبارت بودند از محسن رضایی، حسن باقری، رحیم صفوی و غلامعلی رشید.

شهید مهدی زین الدین

شهید زین الدین مسئول اطلاعات قرارگاه نصر با شناسایی هایش به این نتیجه رسید که در صورت احداث خاکریز توسط عراق در شرق کارون، عملیات بیت المقدس با مانع جدی مواجه می شود، لذا انجام عملیات جلو افتاد.

غلامعلی رشید، شهید بقایی و مرتضی صفاری

سه قرارگاه فعال در زمان عملیات فتح المبین یعنی «قرارگاه قدس» از منطقه جنوب اهواز، «قرارگاه نصر» از خرمشهر تا شلمچه به فرماندهی شهید حسن باقری و «قرارگاه فتح» به فرماندهی غلامعلی رشید از جنوب حسینیه چمران تا ایستگاه ۷ ماموریت پیدا کردند در قالب عملیات بیت المقدس، ارتش متجاوز و بعثی عراق را از خرمشهر بیرون برانند. البته در مرحله آخر عملیات، «قرارگاه فجر» نیز که تحت فرماندهی شهید بقایی و مرتضی صفاری بود به سبب کمبود نیرو به سه قرارگاه قبلی پیوست.

شهید حسن باقری

ساعت ۲:۳۰ دقیقه بامداد ۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۱ نخستین درگیری عملیات بیت المقدس، میان رزمندگان ایرانی و متجاوزان عراقی در محور تیپ ۲۵ کربلا به فرماندهی مرتضی قربانی روی داد که در ذیل قرارگاه نصر به فرماندهی شهید حسن باقری بود. این درگیری با پیروزی و پیش روی رزمندگان ایرانی همراه شد و به موجب آن خاکریز سه متری شرق جاده اهواز- خرمشهر که توسط بعثی های متجاوز احداث شده بود به تصرف رزمندگان اسلام درآمد و به جان پناه مطلوبی برای دفع پاتک های ارتش بعث عراق تبدیل شد.

شهید حسین شوریده

شهید شوریده که همیشه خودش را روستایی معرفی می کرد، پس از پیروزی انقلاب وارد جهاد سازندگی شد. او شب و روز خود را وقف خدمت به محرومان و مستضعفان کرده بود. علاوه بر این در انجام فعالیت های فرهنگی نیز پیش قدم بود، حضورش در جبهه همزمان با عملیات بیت المقدس شد، نهم اردیبهشت سال ۱۳۶۱ به جبهه رفت و یک ماه بعد در ۱۴ خرداد درحالی که فرماندهی گردان مهندسی رزمی جهاد سازندگی را بر عهده داشت در عملیات بیت المقدس در شلمچه به شهادت رسید.

شهید حسین قجه ای

شهید قجه ای در زرین شهر در خانواده ای کشاورز متولد شد. او پس از پیروزی انقلاب اسلامی به کردستان رفت تا با ضدانقلاب به مبارزه بپردازد. او در سرکوب گروه های آشوبگر کردستان در سال ۵۷ نقش موثری داشت. قجه ای در ۲۴ سالگی در روز ۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۱ به همراه گردان سلمان که از اولین روز عملیات بیت المقدس وظیفه پدافند را در منتهی الیه سمت چپ مواضع تیپ ۲۷ محمد رسول الله(ص) در حاشیه جاده اهواز خرمشهر برعهده گرفته بود، در محاصره گازانبری دو تیپ زرهی عراق که مجهز به تانک های تی ۷۲ لیزری بودند، قرار گرفتند و با مقاومت چندروزه، مانع پیش روی نیروهای بعثی شدند تا این گونه نیروهای ایرانی توانستند در سوم خرداد سال ۱۳۶۱ خرمشهر را فتح کنند. ایستگاه گرمداشت جاده اهواز - خرمشهر، جایگاه عروج این سردار عاشورایی و افتخارآفرین ایران بزرگ است.

شهید ناصر فولادی

شهید فولادی در اشغال لانه جاسوسی جزء دانشجویان پیرو خط امام بود و نقشی فعال را در انقلاب ایفا کرد. بعد از تحویل گروگان ها و بسته شدن دانشگاه ها در جریان انقلاب فرهنگی، به سپاه پاسداران «منطقه ۶» کرمان ملحق و پس از گذراندن دوره تعلیمات نظامی، جهت کمک رسانی به مردم فقیر مهاباد و کامیاران به آنجا اعزام شد. پس از آغاز جنگ تحمیلی، ناصر به سومار اعزام شد و مسئولیت انتقال شهدا و مجروحان به کرمان را بر عهده گرفت. پس از آن هفت ماه بخشدار جبالبارز در شهرستان

جیرفت شد، اما بعد از مدتی استعفا داد و به سپاه رفت، مدتی مسئول تربیت بدنی سپاه منطقه ۶ شد و در عملیات بیت المقدس شرکت کرد، درحالی که مسئول تبلیغات لشکر ۴۱ ثارالله شده بود، سرانجام در این عملیات به شهادت رسید.